با خاطرات مردان دریا

حسن دریا زاده، ناخدای اولین لنج موتوری بندرعباس

■ موقعی که با لنج بادی از سفر بصره باز می گشتیم ومحموله خرما به همراه داشتیم در حوالی جزیره قشم دچار طوفان شدیدی شدیم که ناچارشدیم ۳۰۰ بسته خرمای خود را به دریا بریزیم.

در چند دهه گذشته که وسایل حمل ونقل به ندرت در منطقه جنوب کشور یافت می شد ومردم نیز به ندرت به مسافرت های دور می رفتند ، مردان دریادلی بودند که با لنج های بادی مسیرهای چندصدکیلومتری بین کشورها را طی نمودندوبه تجارت در دریا مشغول بودند.مردان سخت کوشی که خانه وفرزندان خود را به خدا می سپردند وبه سفرهای چند ماهه دریایی می رفتند. دریانوردانی که ماهها روی دریا بودند وسختی های سفر را به جان می خریدند تادرآمد حلالی داشته باشند.

روزنامه دریا نیز به مانندشماره های گذشته بایکی دیگرازدریانوردان باسابقه به گفتگو نشسته است .

حسن دریازاده که قریب به ٦٠سال از عمر خود را به دریانوردی پرداخته است در گفتگو با ما به بیان خاطرات سفرهای دریایی خود می پردازد .

دریا : ناخدا.لطفا خودتان را برای خوانندگان دریا بیشتر معرفی کنید ؟

حسن دریا زاده هستم متولد ١٣١٤ واز سن ١٠سالگی شروع به دریانوردی با لنج های بادی کردم.

دریا: آیا لنج متعلق به خودتان بود؟

خیر. لنج متعلق به عمویم بود . پس از اینکه پدرم به علت کسالت نتوانست عمویم را همراهی کند عمویم از من خواست وی را همراهی کنم .

دریا:اولین مقصد شما به کدام کشوربود ؟

مقصد اولین سفر دریایی من شهر کراچی در پاکستان بود.

دریا : با سن ١٠ سال چنین سفر طولانی برای شما سخت نبود ؟

درآن زمان که امکانات آموزش مناسبی برای ادامه تحصیل نبود.ما از کودکی وارد حرفه دریانوردی می شدیم . وبه سفرهای طولانی هم عادت کرده بودیم.

دریا:چه کالایی را برای فروش به پاکستان بردید؟

کالای تجاری ما بیشتر خرمای خشک بود که از میناب بارگیری می کردیم.

دریا : در این سفر چه مدت در دریا بودید؟

در شرایطی که هوا مساعد بود حدود ١٥ روز

دریا : چه مدت در این کشور اقامت کردید؟

حدود ٢ ماه

دریا : شهر کراچی پاکستان با شهرهای ساحلی کشور چه تفاوتی داشت ؟

شهر کراچی به نسبت شهرهای ساحلی کشور که در آن سالها هیچ رونق تجاری نداشتند،از رونق وتوسعه زیادی برخوردار بود وبندرگاه نسبتا خوبی داشت . البته به دلیل اینکه انگلیسی ها در این کشورنفوذ زیادی داشتند ، اتباع انگلیسی زیادی هم در پاکستان زندگی می کردند .

دریا : آیا تجار سایر کشورهای منطقه هم به پاکستان می آمدند؟

بله . تجار کشورهای عربی منطقه هم بودند که برای تجارت خرما آمده بودند .

دریا:از پاکستان چه کالایی به مقصد بندرعباس بارگیری کردید؟

پس از فروش اجناس خود، نارگیل خشک را بارگیری کردیم . وبه مقصد بندرعباس حرکت کردیم.

دریا:به جز پاکستان به چه کشورهایی دیگر سفر کردید؟

پس از بازگشت از پاکستان به کشورهای قطر ، کویت ، بحرین وامارات سفر کردم .

دریا : کالای تجاری شما به این کشورها بیشتر چه کالایی بود؟

کالاهای ما بیشتر هندوانه وخربزه بود که از کشاورزان ایسین خریداری می کردیم.

دریا : در این سفرها چه مدت در دریا بودید؟

بیش از یک هفته در دریا بودم .

دریا: آیا میوه های شما خراب نمی شد ؟

بله . بسیاری از آنها که در دریا خراب می شد آنها را به دریا انداختیم.

دریا: ازاین کشورها چه کالاهایی خریداری می کردید؟

این کشورها کالای خاصی نداشتند که از آنهاخریداری کنیم وناچار می شدیم خالی برگردیم.

البته در برخی سفرها مسافر هم سوار می کردیم زیرا هموطنان زیادی دراین کشورهامشغول به کار بودندکه موقع برگشت آنها را به کشور می آوردیم . دریکی ازسفرها به بحرین به همراه برخی از دوستان در این کشور ماندیم ودریک شرکت دولتی برق کشی می کردیم .

پس از اینکه٥ سال در این کشور کار کردیم به کشور بازگشتیم.

دریا"از چه سالی شما ناخدا شدید؟

من ٤٧ سال پیش زمانی که ٢٧ سال سن داشتم ناخدا شدم که در این موقع لنج های بادی جای خود را به لنج های موتوری دادند که من یک لنج موتوری خریداری کردم واین لنج موتوری اولین لنج موتوری در بندرعباس بود .

دریا:مقررات ورود وخروج به کشور در آن موقع چگونه بود ؟

در آن سالها خروج از کشوربه آسانی صورت می گرفت وفقط موقع حرکت ، ناخدا اسامی ملوانان را یادداشت می کرد وبه دریابانی اعلام می کرد . البته کسانی هم که قصد اقامت درکشورهای عربی را داشتند . ناخدا اسامی آنها را تحویل نمی داد به طور مثال لیست ١١ نفره را ١٠ نفراعلام می کرد واسم شخصی را که قصد ماندن داشت یادداشت نمی کرد و نظارتی هم بر تعداد سرنشینان لنج صورت نمی گرفت .

دریا: ناخدا . آیا صیادی هم می کردید؟

بله . به همراه تجارت حدود ٢٠ سال پیش یک لنج صیادی ازشیلات خریداری کردم و با لنج خودم صیادی می کردم.

دریا : صید شما بیشتر چه بود ؟

ما بیشتر میگو صید می کردیم ومحل صید ما هم غالبا اطراف بوشهربود.

دریا : صیدهای خود را کجا می فروختید ؟

قبل از انقلاب میگوهای ما را شرکت های متعلق به دربار شاه خریداری می کردند وپس از انقلاب میگوهای خود را به بندرعباس می آوردیم یا دربوشهر به فروش می رساندیم.

دریا : در اوایل سفرهای دریایی ،مسیرخود را چگونه پیدا می کردید؟

با قطب نما وستارگان مسیر را تشخیص می دادیم. وشب ها هم برای اینکه با کشتی یا لنجی برخورد نکنیم بر روی لنج چراغ فانوس نصب می کردیم.

دریا : آیادرسفرهای دریایی گرفتار طوفان شده اید؟

بله . موقعی که با لنج بادی از سفر بصره باز می گشتیم ومحموله خرما به همراه داشتیم در حوالی جزیره قشم دچار طوفان شدیدی شدیم که ناچارشدیم ٣٠٠ بسته خرمای خود را به دریا بریزیم.

دریا : آیا در منطقه خلیج فارس ودریای عمان دزد دریایی هم وجود داشت ؟

ازوجود دزد دریایی در منطقه خلیج فارس اطلاعی ندارم وتاکنون لنجی مورد هجوم دزدان دریایی قرار نگرفته اما در دریای عمان وحوالی جاسک دزدان دریایی وجود داشتند . که تاکنون گروه ما با آنها برخورد نکرده است .

دریا : آیا هم اکنون دریانوردی هم می کنید؟

خیر . هم اکنون مدتی است که لنج صیادی خود را فروخته ام وفقط بچه هایم با قایق صیادی می کنند .

دریا : ناخدا از اینکه وقت خود را در اختیار ما قرار دادید سپاسگذارم .

ناخدا دریا زاده : قبل از انقلاب میگوهای ما را شرکت های متعلق به دربار شاه خریداری می کردند وپس از انقلاب میگوهای خود را به بندرعباس می آوردیم یا دربوشهر به فروش می رساندیم.

صدای شهروند

وقتی هرکس ساز خودرا کوک می کند!

چند روز پیش صبح زودتر از همیشه از خواب بیدار شدم و برای رفتن به محل کارم آماده شدم . صبح خوبی بودوهوا کمی مهربانتراز روزهای دیگر بنابراین تصمیم گرفتم مسافت منزل تا محل کار را با اتوبوس طی کنم تاهم از ترافیک وآلودگی هوا وصوتی جلوگیری شود وهم در مدیریت بهینه سوخت سهیم باشم.

سرتان را دردنیاورم قدم زنان تا سر خیابان آمدم خیس عرق شده بودم نگاهی به ساعتم کردم هنوز ٢٠ دقیقه وقت بودمحاسبه کردم اگر الان اتوبوس برسد و من سوار شوم وآرام آرام هم حرکت کندبازهم ٢٠ دقیقه زمان مناسبی برای رسیدن من به محل کارم است .

خورشید کم کم اعلان موجودیت می کرد و هوا هم کمی گرم وتندی اشعه خورشیدآزاردهنده که ازاتوبوس خبری نبود وهرچه به دوردست ها ومسیر پیدا شدن اتوبوس نگاه می کردم کمتر امیدوار می شدم و بیشترناامید تا اینکه بعداز١٠دقیقه سروکله یک اتوبوس از دور پیدا شد ومن خوشحال وشاد منتظر شدم تاجلوی پایم توقف کند.بانزدیک شدن اتوبوس ناامیدی وناراحتی تمام وجودم را فراگرفت اتوبوس بدون کولر بود واز جمعیت لبریز حدس می زدم چقدر سوار شدن دراین مرکب عذاب آور است.اما از آنجایی که با خود عهد بسته بودم امروز حتما بااتوبوس بروم و١٠دقیقه هم وقتم تلف شده بود بناچار سوار شدم .چشمتان روز بد نبیند وگلاب به رویتان بسیار وضعیت اسفباری بود یاد فیلمهای سینمایی در ژانر وحشت قرون وسطی افتادم .

حرکت آهسته وآرام اتوبوس ، فشارهای بدنی مسافران از همه طرف بوی عرق وگرمای هواوخورشید سوزان که از پنجره های نیمه باز آن به داخل ومستقیم روی سروصورت مسافران می تابید اعصابم را حسابی اول صبح بهم ریخته بود و بناچار باید تاپایان مقصد انتظار می کشیدم و عجب انتظار طاقت فرسا و کشنده ای هم بود.جالب تر اینکه در هر ایستگاه علیرغم اینکه اتوبوس مملو ازمسافربود راننده بی توجه به وضعیت نامساعد موجود توقف می کرد و چندین مسافر سوار می کرد و هر چند دقیقه یکبار موج جمعیت فشرده تراز قبل می شد . بالاخره با هر مصیبتی بود به مقصد رسیدم و یک اسکناس٥٠٠تومانی به کمک راننده دادم ومنتظر بقیه اش ماندم، بعداز چند ثانیه ٤٠٠ بهم پس داد منتظر ماندم دیدم چیزی نگفت پرسیدم کرایه ام چقدر شداوبا جسارت جواب داد ١٠٠تومان گفتم چرا تادیروز که ٥٠تومان کرایه اتوبوس بود جوان خنده ای کرد و گفت اگر ٥٠٠تومان بدهی١٠٠می شوداگر اسکناس ١٠٠٠یا دوهزار تومانی بدهی ٢٠٠ تومان وبلافاصله بدون اینکه حرف دیگری بزند دوید وسوار اتوبوس شد ورفت ومن را مات ومبهوت بدون اینکه قانع شده باشم برجای گذاشت .

باخودگفتم عوض اینکه برای جابجایی مسافران درون شهری از اتوبوس های کولردار استفاده شود و تعداد اتوبوسها بیشتر گردد تا جوابگوی نیاز شهروندان باشد هرروز علیرغم تبلیغات گسترده در خصوص اضافه کردن تعدادی اتوبوس و تاکسی به ناوگان شهری اما امروز خودم به عینه دیدم و لمس کردم که معنای واقعی احترام به شهروندان و فراهم کردن امکانات رفاهی آنان چیست؟ وقتی شهروندان مالیات وعوارض پرداخت می کنند توقع دارند که خدمات مناسب وشایسته یک شهروند دریافت کنند نه اینکه از اتوبوسهای بدون کولر وبااعمال شاقه بهره مند شوندوهر کسی ساز خودرا کوک کند وهر ساعتی که خواست در خط حاضر شود واقدام به جابجایی مسافران کرده و هرگونه که زورشان رسید ازمردم کرایه دریافت نمایند.

علی نجفی معاون پرورشی آموزش و پرورش شهرستان بستک :

با کمبود نیروی پرورشی در شهرستان بستک مواجه هستیم

اولین همایش مربیان و معاونین پرورشی آموزش و پرورش شهرستان بستک دوشنبه در محل سالن دبستان مصطفویه برگزار شد .

در این همایش که علی نجفی معاون پرورشی و راهدار معاون آموزشی آموزش و پرورش شهرستان بستک حضور داشتند مربیان و معاونین پرورشی با وظایف کاری خود آشنا شدند .

در این همایش عبدالقادر راهدار معاون آموزشی آموزش و پرورش شهرستان بستک با توجه به عدم تمایز آموزش و پرورش گفت : با اشاره به گستردگی و تفکیک آموزش و پرورش از یکدیگر ، ولی آموزش و پرورش هدفشان کلی و واحد است و یک هدف را دنبال می کنند و با وظایف خاص هر کدام به دنبال یک هدف می روند .

وی با اشاره به اینکه انسان متخصص که تعهد نداشته باشد نمی تواند برای جامعه مفید باشد گفت : تعهد و تخصص با هم و در کنار هم بستر لازم را برای شکوفایی جامعه فراهم می کنند .

معاون آموزشی آموزش و پرورش گفت :مادر آموزش و پرورش شهرستان بستک با کمبود نیروی پرورشی و مشاور مواجه هستیم .

علی نجفی معاون پرورشی آموزش و پرورش شهرستان بستک نیز گفت :در بخش پرورشی آموزش و پرورش در سال جاری ٤٥ نیروی پرورش داریم که متاسفانه در اکثر مدارس ما مشاورکه وجودش در مدارس ضروریست وجود ندارد.

معاون پرورشی با اشاره به فعالیت خوب پرورشی این مدیریت تعداد اردوها و بازدیدهای برگزار شده در سطح مدارس این مدیریت را ١٩٢٦ بازدید و اردو عنوان کرد .

وی با اشاره به این که مربیان پرورشی باید از زمان حداکثر استفاده را کنند گفت:سه ویژگی مسوولیت پذیری ، برنامه ریزی و آگاهی داشتن از وظایف باید از خصوصیات اصلی مربیان و معاونین پرورشی باشد.در پایان حسن اماسه کارشناس هنری در مورد مسابقات فرهنگی و هنری سخنانی بیان داشت.

توسعه قربانی وسعت می شود

بشاگرد سرزمین خاطره های ماندگار

■ عکس: وبلاگ بشکرد من

منطقه بشاگرد با وسعت ١٦٠٠٠ کیلومتر مربع مشتمل بر ٩٠٠آبادی کوچک و بزرگ حدود ٧٥ هزار نفر جمعیت در سرزمین کوهستانی ، ناهموار در جنوب شرقی استان هرمزگان در تاریخ ٣ اردیبهشت ٨٨ به عنوان شهرستان انتخاب شد.

این خبر شاید برای بعضی ها تامل برانگیز، تعجب آور خوشحال کننده بود وبعد از ٦ماه به بررسی این تحول عظیم در شرق استان توسط یک شهروند دلسوز وآگاه به اوضاع بشاگرد می پردازیم.

این شهروند در خصوص سردشت که به عنوان مرکز بشاگرد انتخاب شده است می گوید: انتخاب یک شهر به عنوان مرکز زیر ساختها وامکانات اداری و رفاهی و دیگر عوامل را مورد توجه قرار می گیرد اما دولتمردان بدون توجه به امکانات موجود در سردشت آن را به عنوان مرکز شهرستان قرار دادند وتنها نکته قابل توجه برای محقق شدن این امر را چهار راه بودن سردشت و مرکزیت آن در بشاگرد و وسعت ٢٠٠٠ کیلومتری آن را مد نظر قرار دادند .

وی ادامه می دهد: شبکه تلفن ثابت در سردشت وجود ندارد فقط در شهر گوهران تلفن ثابت راه اندازی شده است واداراتی که درسردشت قرار دارند فقط با تلفن همراه اطلاعات را دریافت می کنند از فکس که مهمترین عامل ارتباطی است محروم هستند وشکل ضعیفی از نمای شهری در سردشت ایجاد شده است.

این شهروند نبود بانک در سردشت را یکی از مشکلات اساسی مردم می داند می گوید: در شهرستان بشاگرد فقط یک بانک کشاورزی در گوهران وجود دارد وادارات برای کارهای بانکی ٣٢ کیلومتر مسافت را طی کنند ومردم نیز برای پرداخت پول آب و برق باید به جاسک ویا میناب مراجعه کنند که مشکلاتی را به همراه دارد.

شهروند بشاگرد در خصوص خانه های سردشت می گوید: ٣٠درصد مردم سردشت کپرنشین هستند و ساختمانی نیز برای ایجاد اداره جدید وجود ندارد زیرا زیرساختها از قبل آماده نشده بود.

وی بارندگی در بشاگرد را خوب توصیف می کند و ادامه می دهد: بارش سالانه در منطقه بشاگرد بسیار عالی است اما زمین های منطقه قابل کشت نیستند وفقط برای نیاز خود کشاورزی انجام می دهند و اهالی منطقه که از نظر مالی در مضیقه هستند اکثرا تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی هستند شهروند بشاگرد در خصوص جاده های ارتباطی این شهرستان می گوید: جاده های اصلی از گوهران به سردشت و دیگر نقاط آسفالت است ولی در جاده های فرعی هنوز آسفالت نیست وحمل ونقل عمومی بین روستاهاوشهر وجود ندارد واکثرا از موتورسیکلت وخودرو شخصی برای جابجایی استفاده می کنند.

وی نبود دبیرستان را یکی از عمده مشکلات مردم سردشت می داند وادامه می دهد : دبیرستان پسرانه در گوهران ،خمینی شهر، بلبل آباد، اهون دایر شده است و دودبیرستان دخترانه در گوهران و خمینی شهر وجود دارد ومتاسفانه پیش دانشگاهی در بشاگرد وجود ندارد وبرای ادامه تحصیل باید به میناب بروند که این امر باعث مهاجرت مردم بشاگرد می شود.

وی در خصوص استعداد دانش آموزان بشاگردی می گوید: بچه های این منطقه از استعداد بالایی برخوردار هستند ودر کنکور امسال ٣ نفرپزشکی ودندانپزشکی و٢٠نفرنیز در مقطع کارشناسی قبول شده اند وی از اینکه در بلبل آباد تمامی معلمان بومی هستند بسیار رضایت داشت وی ادامه داد :روزی خواهد رسید که همه امور بشاگرد به دست پر توان فرزندان این خطه برسد.

■ مریم هاشمی پور

آگهی فوت فرضی-نوبت سوم

درپرونده ٨٧٠٦٧٦ شعبه ششم دادگاه حقوقی بندرعباس خانم / آقای ١ - علی ٢ - محمد ٣ - زهرا ٤ - کلثوم اندرز فرزند ابراهیم به نشانی بندرعباس دامائی کوچه گوهران ٢ - منزل اجاره ای عذرا گودرزی دادخواستی مبنی بر فوت فرضی به طرفیت ١ - دادگستری هرمزگان ٢ - آقای خلیل اندرز فرزند ابراهیم ٣ - صغری لشکری فرزند کرم به نشانی....ارائه نموده و توضیح داده ؛ که خواندگان ردیف دوم وسوم از تاریخ خوانده ردیف دوم سال ١٣٧٤ و خوانده ردیف سوم درتاریخ ١٣٦٦مفقود گردیده و هیچ خبری از وی ندارد علیهذا بدستور دادگاه به تجویز ماده ١٠٢٣ قانون مدنی درسه نوبت متوالی با درج آگهی درجراید محلی و یکی ازروز نامه های کثیر الانتشار تهران هر کدام به فاصله یک ماه از کسانیکه ممکن است ازغایب آقای خلیل اندرز فرزند ابراهیم و خانم صغری لشکری فرزند کرم خبری داشته باشند دعوت به عمل می آید که به اطلاع دادگاه برسانند .

بدیهی است پس از گذشت یکسال از اولین آگهی و عدم وصول اطلاعی از حیات خوانده حکم فوت فرضی او توسط دادگاه صادر می گردد .

بهرامی - رئیس دفتر شعبه ششم دادگاه عمومی بندرعباس

آگهی فوت فرضی-نوبت سوم

به حکایت محتویات پرونده ٨٨٠٩٩٨٧٦١٠٧٠٠٠٥٥ که در این شعبه دادگاه تحت رسیدگی می باشد توسط آقای میثم عیدی قلعه قاضی فرزندابراهیم به نشانی بندرعباس بلوار امام سه راه گمرک روبروی هتل منازل سازمانی بانک ملی مجتمع مسکونی جعفری اعلام گردیده متوفی فوت فرضی آقای ابراهیم عیدی قلعه قاضی فرزند محمد از تاریخ ٧١/١٠/٢٦ غایب و ناپدید شده و هیچگونه خبری از نامبرده دردست نیست.

لذا بدینوسیله ضمن اعلام مراتب از کلیه کسانی که خبری از غایب یادشده دارند دعوت می شود اطلاعات خود را به نحو مقتضی در اختیار این دادگاه قرار دهند تا حقی از کسی تضییع نگردد این آگهی سه نوبت متوالی با درج آگهی در جراید محلی و یکی از روزنامه های کثیر الانتشار تهران هریک به فاصله یک ماه در اجرای ماده ١٠٢٣ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب درامور مدنی منتشر می گردد. بدیهی است چنانچه یک سال از تاریخ اولین اعلان (نشر آگهی) حیات غایب ثابت نشود حکم موت فرضی او توسط دادگاه صادر خواهد شد .

م /الف ٣/٢٣٠ ص

رئیس شعبه هفتم دادگاه حقوقی دادگستری شهرستان بندرعباس-علوی

آگهی ماده ١٤٧-اصلاحی قانون ثبت نوبت دوم

نظر به اینکه هیئت حل اختلاف مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک رودان بشرح آرا صادر ،تصرفات مفروزی از مالکانه اشخاص ذیل واقع در بخش ٣ بندرعباس شهرستان رودان را تائید نموده و یا جهت عدم دسترسی به مالک اولیه مقرر شد پس از نشر آگهی سند مالکیت رسمی صادر و تسلیم گردد و علیهذا در اجرای بند ٦ از ماده یک قانون اصلاح مواد ١ و ٢ و ٣ و ماده ١٤٧- اصلاحی قانون ثبت مصوب ٦٥/٤/٣١ و الحاق موادی به آن مصوب ٧٠/٦/٢١ و بند چهار ماده ٣٣ آئین نامه اجرائی آن مراتب در دونوبت به فاصله ١٥ روز جهت اطلاع عموم و مالک و صاحبان حقوق آگهی میشود چنانچه ظرف مدت دو ماه از تاریخ انتشار نوبت اولین آگهی اعتراضی از طرف کسی به ثبت اسناد و املاک رودان نرسد ، اداره ثبت و اسناد و املاک رودان سند مالکیت مذکور بر اساس مفاد آرا صادره ذیل در حدود و مقررات صادر خواهد کرد و در صورت وصول اعتراض مراتب به دادگاه صالحه احاله میگردد.

در هر حال صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

١-آقای مراد کمالی فرزند مهدی ششدانگ سه باب مغازه وصل بهم به مساحت ٦٦/٩٠ متر مربع یک قسمت مفروز از پلاک ٥٦٧ فرعی از ٨- اصلی واقع در معز آباد بر غربی بلوار شهداء رودان مستند به رای شماره ٤٨٢٦ مورخه ٨٧/١٢/٥ هیات حل اختلاف رودان

٢-خانم راضیه کمالی فرزند مهدی ششدانگ یک قطعه زمین محصور به مساحت ٨٦/٦٦ متر مربع یک قسمت مفروز از پلاک ١٣٣٦ فرعی از ٨-اصلی واقع در معز آباد رودان مستند به رای شماره ٥٠٠١ مورخه ٨٨/٦/٨ هیات حل اختلاف رودان

اسماعیل ربیعی نژاد

اداره ثبت اسناد و املاک رودان

فروشی

یک واحد آپارتمان ١٠٠ متری درپارسیان (گاوبندی) به فروش می رسد یا تعویض با خودروی مدل بالا

شماره تماس: ٠٩١٧٩٣٩٦٤٣٠-٣١

دریا تنها روزنامه هرمزگان